

شناخت ناراست رهبران تاجیکها ، هزاره ها و ازبکها از ناسیونالیسم پشتون

قسمت اول - پیدایی تاریخ سیاسی قوم پشتون افغان

14 . 6 . 22 میلادی

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

با آموزش دقیق از رویداد های سیاسی نیم قرن اخیر کشور (خراسان - افغانستان) میتوان درس های تاریخی زیر را از آن برون آورد .

چون انگیزه تداوم جنگ و جنایت سه سده اخیر در کشور ما با فرمانروایی سیاسی پشتونها پیوند و بستگی دارد . بناً لازم است که ابتدا مردم بدانند که خاستگاه تاریخی قوم افغان و یا مترادف آن پشتونها از کدام مکان یا کشور بوده و چگونه و از چه وقت این قوم به سرزمین ایران شرقی یا خراسان دیروز مسکن گزین شده اند .

ابوریحان بیرونی (5 دسامبر 973 - 13 دسامبر 1048 میلادی) دانشمند و هند شناس تاجیک در کتاب " تحقیق مالهند " خود مینویسد که : " قبایل افغان در غرب هندوستان ، در کرانه های شرقی کوههای سلیمان واقع در پاکستان امروزی ، خانه بدوش می زیستند ... "

به قول تاریخ سلطانی (1) افغانها برای اولین بار به اجازه معین الدین شاهرخ تیموری (1404 - 1447 میلادی) چهارمین پسر تیمور گورکانی ، شوهر گوهرشاد بیگم ، شاه ایران وقت ، در میانه آخر قرن 15 میلادی ، از کرانه های کوه سلیمان واقع در پاکستان امروزی رو برتافتند ، و در پیرامون شهر پشاور هندوستان غربی ساکن شدند . و در فرآیند زیاد از دوسده آرام آرام بقسم کوچی ، خانه بدوش ، آواره و مهاجر از کشور هندوستان کوچیدند و به سوی سرزمین های پر برکت خراسان ایران زمین مهاجرت کردند . ازین جا آشکار می گردد که تاریخ مهاجرت افغانها به سرزمین ایران شرقی از میانه آخر قرن 15 شروع تا دو دهه اول قرن 18 ادامه داشت .

احمد شاه درانی افغان که به 1722 میلادی در مولتان (امپراتوری گورکانی هند) پاکستان امروزی بدینا آمد ، خانواده وی نیز در جمع مهاجرین افغان هندوستانی به سرزمین ایران شرقی مهاجرت کرده بودند . احمدشاه درانی در روزگار جوانی سرباز سپاه نادرشاه افشار شد . او در خدمت سربازی برای ایران از خود کفایت و درایت زیاد نشان داد و توجه نادر افشار پادشاه ایران را بخود جلب نمود . و شاه با پاداشی این سرباز مهاجر پشتون را به حیث فرمانده سپاهیان پشتون و ازبک برگماشت .

هنگامیکه نادر افشار - شاه ایران (1736 - 1747 میلادی) ؛ 275 سال پیشتر از امروز در یک اتفاق غیر مترقبه بقتل رسید . احمد خان افغان (1747 میلادی) با سپاهیان پشتون تبار زیر فرمانش ، - از خلاء قدرت سیاسی پیش آمده ایران استفاده سوء کرده و به انگیزش کمپانی هند شرقی بریتانیا ، به ایران شرقی یا خراسان یورش برد . در این یورش سپاهیان افغان به رهبری احمد خان موفق شدند که جغرافیایی سیاسی کوچکی را از بدنه جغرافیایی شرقی سرزمین ایران بزرگ ببرند و پسانها اسمش را بنام تبار خود شان ، کشور افغان یا افغانستان گذاشتند .

پس تاریخ گواهی می دهد که قوم پشتون یا افغان از سالهای 1447 میلادی بدینسو از کشور هندوستان به سرزمین پدری ما مهاجر شده اند . قابل یاد آوری است که این قوم با تاریخ ، هویت فرهنگی و سیاسی پنجهزارساله نیاکان مردم ایران (تاجیکان و پارسها.گُردها) و فارسی زبانهای این سرزمین کدام پیوند تاریخی ، خونی و اتنیکی ندارند. بدین اساس در برابر مردم و زبان و فرهنگ این کشور همچو مهاجم دشمنانه برخورد می کند .

آغاز زندگی سیاسی افغانها در سرزمین خراسان - افغانستان ، مقدمه بدبختی ، جنگ و جنایت ، اندوه و ترس و سرگشتگی ، قتل و کشتار ، بیکاری و گرسنگی ، درپردری ، بی‌نواپی و پسماندگی مردم ما می باشد که از 1747 آغاز شده و تا امروز به بدترین شکل آن ادامه دارد .

قسمت دوم - اهداف اساسی فرمانروایی سیاسی ناسیونالیسم پشتون

اگر بتاریخ پیدایی ساختار فرمانروایی سیاسی ناسیونالیسم پشتون نگاه کنیم آشکار می گردد که اساس این ساختار ددمنش و درنده خو پیوسته با جنگ و جنایت ، قتل و کشتار بنا یافته است ، و فرمانداران افغان در فرآیند 275 سال هنوز که هنوز است با پیشبرد همان سیاست خشن و خون آشام ، برای رسیدن به اهداف سیاسی ذیل بی باکانه به پیش می روند.

- استقرار و تداوم حاکمیت سیاسی این قوم بر سراسر این سرزمین (خراسان - افغانستان) ؛

- اجرای سیاست پشتونیزه سازی ساختار های قدرت و حاکمیت دولتی ؛

- تضعیف و نابودی زبان فارسی و فرهنگی که به این زبان بارور گردیده است ؛

- نابودی فزیکری رهبران و نیروهای لشکری و ملکی مردمان فارسی زبان ، شامل تاجیکها ، هزاره ها و ازبکها ؛

- غصب دایمی زمین و دارایی های مردمان بومی این سرزمین در سراسر استانهای کشور ، بوسیله گماشتگان دولت ناسیونالیسم پشتون ؛

قسمت سوم - ماهیت فرمانروایی سیاسی ناسیونالیسم پشتون

رهبران پشتون در 275 سال آگاهانه ولی بدخواهانه از دین مقدس اسلام بگونه سپر دفاعی جنایات خویش استفاده سوء نمودند . و بر بنیاد این نگرش برای نگهداری و تداوم فرمانروایی سیاسی شان اشکال مختلف رژیم های تک قومی را زیر نام شاهی مطلقه پشتونی، شاهی مشروطه پشتونی ، جمهوریت مطلقه پشتونی، حکومت خلقی دموکراتیک یا حاکمیت تک حزبی پشتونی ، حکومت تکنوکرات اسلامی ، امارت مطلقه پشتونی، و غیره را در این سرزمین بکار گرفته اند .

اما هیچ یکی از این حاکمیت های سیاسی ناسیونالیستی پشتون افغان تا کنون با مشروعیت و رای و اراده مردم به قدرت سیاسی و دولتی نرسیده اند. بلکه همیشه به پشتیبانی مستقیم کشور ها و نهاد های سرمایه جهانی ، از حکومت شاهی مطلقه احمد خان ملتانی درانی آغاز تا حاکمیت سیاسی حامد کرزی و اشرف غنی احمد زی و رژیم طالبان امروزی در صحنه قدرت سیاسی عرض وجود کرده اند. و در بدل آن - رهبران پشتون افغان جهت تداوم قدرت و حاکمیت شان با توافقنامه های وطنفروشانه خویش پای بیگانگان را به کشور ما کشاندند و جنگ و جنایت را بالای مردم ما جبراً تحمیل نمودند .

برای شناسایی نسل جوان امروز ! توافقتنامه های خاکفروشانه و شرم آور رهبران پشتون افغان را خدمت شما پیشکش می نمایم :

اول : معاهده خاکفروشانه مثلث لاهور 1838 میلادی ، میان شاه شجاع پشتون ، مکناتن انگلیس ورنجیت سنگ پادشاه پنجاب.

دوم - معاهده خاکفروشانه جمروود 1855 میلادی ، میان دوست محمدخان پشتون و سرجان لارنس انگلیسی .

سوم - معاهده خاکفروشانه گندمک 1879 میلادی ، میان محمد یعقوب خان پشتون و سرلویس کیوناری انگلیسی .

چهارم - معاهده خاکفروشانه دیورند 1893 میلادی ، میان امیر عبدالرحمان خان پشتون و نماینده های انگلیس : مارتیمردیورند ، کنل الیس، دکترفن، لفتننت سمت، لفتننت مکمان ، مسترداندل و مسترکالرک .

پنجم - معاهده خاکفروشانه لویی دین - حبیب الله 1905 میلادی ، میان امیر حبیب الله پشتون و آقای لویی دین نماینده انگلیسی .

ششم - معاهده خاکفروشانه راولپندی 1919 میلادی ، میان امان الله خان پشتون و سرهملتن گرانت انگلیسی .

هفتم - معاهد خاکفروشانه صلح کابل 1921 میلادی ، میان امان الله خان پشتون و هنری دابس انگلیسی.

هشتم - تصدیق نامه خاکفروشانه 1930 میلادی ، از جانب نادرخان پشتون به آرتر هیندرسن وزیر خارجه بریتانیا .

نهم - پیمان دوستی خاکفروشانه 1978 میلادی ، میان نورمحمد تره کی پشتون و لیونید برژنف رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی .

دهم - توافق نامه خاکفروشانه بن به تاریخ 22 دسامبر 2001 بگونه صوری با نماینده های مقاومت ملی و بگونه حقیقی اما مخفی با ظاهرشاه پشتون ، حامد کرزی پشتون و زلمی خلیلزاد پشتون تبار نماینده دولت آمریکا و با پا در میانی ملل متحد - در رأس آن آمریکاوشرکایش به امضارسید.

یازدهم : موافقتنامه همکاری های خاکفروشانه راهبردی درازمدت 2012 میلادی ، میان رئیس جمهور آمریکا بارک اوباما و رئیس جمهور دست نشانده آمریکا آقای حامد کرزی پشتون .

دوازدهم : موافقتنامه خاکفروشانه امنیتی سپتامبر 2014 میلادی ، میان نماینده های افغانستان اشرف غنی احمدزی پشتون رئیس جمهور دست نشانده آمریکا و عبدالله عبدالله پشتون ، صبغت الله مجددی عرب تبار، حنیف اتمر پشتون و نماینده های آمریکا وناتو جیمزکانینگهام وموریس یوخیمس در کابل به امضا رسید .

سیزدهم : موافقتنامه خاکفروشانه 29 فبروری 2020 میلادی میان زلمی خلیلزاد نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان وملا عبدالغنی برادر پشتون رئیس دفتر سیاسی طالبان در قطر امضا شد.

قسمت چهارم - ارزشهای مدنی ای که رهبران ناسیونالیسم پشتون از آن درهراس اند :

- از زبان فارسی و فرهنگ سیاسی و تاریخی پنجهزارساله تاجیکها و فارسی زبانها سخت می ترسند.
- از استقرار حاکمیت مردم سالارومشروع مبتنی بر آرای مردم کشوربیم دارند.
- ایجاد نظام سیاسی پارلمانی درکشوررا مرگ نظام های تک قومی خویش تلقی می نمایند .
- از آزادی قوای سه گانه دولتی (قوه مقننه ، قوه قضائیه وقوه اجرائیه) خیلی خوف دارند .
- آزادی بیان و آزادی رسانه ها رامرگ حاکمیت قبیله فکر می کنند .
- تعادل حقوق شهروندی ومصونیت فردی وحق متعادل مشارکت در حاکمیت سیاسی وحق متعادل ملکیت برزمین را، بزرگترین بدبختی برای حکومت تک قومی پشتونی خویش می پندارند .
- هم سخی مرد وزن وقانونمندی سهم شایسته حقوق زن در امور خانواده وحیات اجتماعی نزد شان حیثیت مرچی را دارد که به چشم باز نابینای قبایل پشتون پاشیده می شود .
- وهمچنان ایجاد صنایع ثقیله وخفیفه ، استخراج قانونمند معادن ، برقی ساختن گُل کشور ، آسفالت سراسری کشور ، ایجاد بزرگراه ها میان استانها وشهرستانها ، ایجاد خط آهن در سراسر کشور ، ایجاد اشتغال وتأمین حیات مصون خانواده و ده ها مؤلفه های مدنی دیگرپیست که تحقق واقعی آنها سبب می شود که تا ساختارهای فرسوده حاکمیت سیاسی لرزان پشتونها راز ریشه نابود ومحو نماید.
- ازین جا است که رهبران پشتونها پیوسته جلو پیشرفت های زندگی مدنی را سد واقع می شوند وتلاش شان براین است که تا جنگ میان اقوام ساکن این کشور را براه اندازند وفقر وبیکاری وچندگانگی اجتماعی را در جامعه تشدید بخشند . بالاین سیاست تفرقه انداز وحکومت کن این جانیان برای تداوم ساختار حاکمیت تک قومی وزندگی بی مقدار شخصی خودشان مجاهدت می کنند.

قسمت پنجم - چشم اندازما به کنه مسئله :

مرام از انتخاب این عنوان " شناخت ناراست رهبران تاجیکها ، هزاره ها وازبکها از ناسیونالیسم پشتون" بدان مفهوم نیست که گویا رهبران این سه قوم خدای ناخواسته آگاهی لازم در مورد کارکرد های رهبران ناسیونالیسم پشتون ندارند. بلکه این رهبران در فرآیند چهل سال اخیر در همکاری مشترک ایشان با رژیم های پشتونی ، به صفت معاون رئیس جمهورومعاون نخست وزیر ومتصدی وزارت خانه ونهاد های دولتی کار کرده اند ، خوبتر ازدیگران آگاهی وتجربه دارند.

اما با تأسف که یک مسئله راخوب دقیق متوجه نشده اند. وان اینست که موجودیت این سیاسیون در همه دوره ها در نظام پشتونی ، به قسم رهبر مستقل مردمی صاحب برنامه سیاسی ونماینده یک ملت آزاده در یک ائتلاف انتخاباتی سهیم نشده اند ، بلکه منحیث یک مامورعادی که به فرمان یک رئیس جمهور غیر منتخب پشتون و دست نشانده خارجی ها ، درساختار دولتی نصب ومشتغل به کارشده اند .

مسئله دیگر اینکه ، همکاری رهبران تاجیک ، هزاره وازبک در تشکیل حکومت های تک قومی پشتونها ، درحقیقت مشروع جلوه دادن رژیم ناسیونالیسم افغان نزد آمریکا وشركای وی بوده است. عملکرد این گونه مشارکت رهبران فارسی زبان درحاکمیت سیاسی پشتونی کرزی واحمدزی که از صلاحیت قانونی برخوردار نبودند ، این کار توانست که وقار ووزنه سیاسی رهبران این سه قوم غیر پشتون رانزد کشور ها ونهاد های سرمایه جهانی به صفرتقرب بدهد.

سوم اینکه برخی از رهبران تاجیک ، هزاره و ازبک در مبارزات سیاسی خویش نتوانست نقش یک رهبر باراراده ، نستوه و پاکیزه را در کارزار مبارزات سیاسی بنمایش گذارند . این قماش افراد با چسپیدن به قدرت ، شهوت و مادیت به رسالت میهنی خود پشت کردند و در بستره آز آرام گرفتند .

سرچشمه ها :

1 - سلطان محمد بارکزی، تاریخ سلطانی، چاپ بمبئی، به نقل از افغانستان در پنج قرن اخیر، ج 1 ، ص 41 .

- رجوع شود به تاریخ فرشته، چاپ لکنه 1323 هـ ق، ص 17 ؛ و تاریخ مرصع ، تألیف افضل خان نواسه خوشحال خان ختک : این کتاب شامل ترجمه کتاب « مخزن افغانی » یا « تاریخ خان جهانی » که شامل مقدمه ، نه باب و هفت دفتر می باشد . و تاریخ ملت پشتون را بیان می کند . دفتر چهارم و پنجم این کتاب هم از مهاجرت قبایل از کوه های سلیمان به قندهار و از آنجا به کابل و پشاور و جانشین شدن شان در استانهای خراسان زمین صحبت می کند .

باعرض حرمت